

نامه به دبیرکل ملل متحد

اسناد شش سال بدعهدی غرب در اجرای برجام

تألیف:

محمدحسین ظریف

www.ketab.ir

مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

۲۹ بهمن‌ماه - ۱۴۰۰

فهرست نویسی

سرشناسه: ظریف، محمدجواد، ۱۳۳۸-

عنوان و نام پدیدآور: نامه به دبیرکل ملل متحد: اسناد شش سال بدعهدی غرب در اجرای برجام / تألیف: محمدجواد ظریف [برای] مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۳۴ ص.

شابک: ۹-۴-۹۸۶۰۶-۶۲۲-۹۷۸

بها: ۴۵۰,۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: اسناد شش سال بدعهدی غرب در اجرای برجام.

موضوع: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵ م. ۱۴ ژوئیه

موضوع: Joint Comprehensive Plan of Action, 2015 July 14

موضوع: توافق‌نامه هسته‌ای ژنو، ۲۰۱۳ م. ۲۴ نوامبر

موضوع: Geneva Interim Agreement, 2013 November 24

موضوع: انرژی اتمی - ایران - سیاست دولت

موضوع: Nuclear energy - Government Policy - Iran

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

شناسه افزوده: Iran, Ministry of Foreign Affairs, Institute for Political and International Studies (IPIIS)

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات

شناسه افزوده: Iran, Ministry of Foreign Affairs, Printing and Publishing

رده‌بندی کنگره: KZ5۶۷۵

رده‌بندی دیویی: ۳۲۷/۱۷۴۷۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۸۶۴۳

نامه به دبیرکل ملل متحد

اسناد شش سال بدعهدی غرب در اجرای برجام

تألیف: محمدجواد ظریف

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صفحه‌آراء: سحر حسینی صنعتی

طراح جلد: شهرزاد طهرانی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی

تلفن: ۲۳۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۴: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۱۵، تلفن فاکس: ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۳۰۴۳۷۱

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۳
نامه.....	۹
پیوست‌ها.....	۲۳
پیوست یکم - بیانیه جمهوری اسلامی ایران، پس از تصویب قطعنامهٔ ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تأیید برجام.....	۲۵
پیوست دوم - نامه‌های وزیر امور خارجه به هماهنگ‌کننده برجام در دوران اوباما.....	۳۱
پیوست سوم - نامه‌های وزیر امور خارجه به هماهنگ‌کننده برجام، پیرامون نقض اساسی برجام توسط دولت ترامپ تا خروج آمریکا از برجام.....	۴۵
پیوست چهارم - نامه‌هایی از خروج آمریکا از برجام.....	۷۳
پیوست پنجم - تصمیمات اتحادیه اروپا و اعضای باقی‌مانده برجام به دنبال خروج آمریکا.....	۸۳
پیوست ششم - نامه‌های تحت بند ۳۶ برجام جهت ثبت نقض‌های اساسی آمریکا و سه کشور اروپایی.....	۹۱
پیوست هفتم - روند کاهش تعهدات.....	۱۲۷
پیوست هشتم - نامه‌ها پیرامون مسموع نبودن استفاده اروپا از ساز و کار حل و فصل اختلافات.....	۱۳۹
پیوست نهم - ترجمه نامه مورخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۸ به دبیرکل ملل متحد پیرامون اقدام ایالات متحده در قرارداد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی.....	۱۶۹
پیوست دهم - نامه مورخ ۲۲ اسفند ۹۸ خطاب به دبیرکل متحد پیرامون اقدامات غیرقانونی آمریکا برای جلوگیری از دسترسی ایران به دارو و اقلام بهداشتی جهت مقابله با کرونا.....	۱۷۱
پیوست یازدهم - ترجمه نامه مورخ ۱۹ اردیبهشت ۹۹ خطاب به دبیرکل ملل متحد پیرامون.....	۱۷۵
پیوست دوازدهم - نامه به رئیس دوره‌ای شورای امنیت و دبیرکل ملل متحد، در مورد اطلاعیه ایالات متحده برای بازگرداندن تحریم‌ها.....	۱۸۵
پیوست سیزدهم - اطمینان از رفع تحریم‌ها قبل از بازگشت آمریکا به برجام.....	۲۰۳
پیوست چهاردهم - ترجمه پاسخ به اتهامات آمریکا در سخنرانی پمپئو.....	۲۱۵

ای رستخیز ناگهان، وی رحمت بی انتها
ای آتشی افروخته در بیشه اندیشه‌ها

برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام که در غرب به «توافق هسته‌ای ایران» معروف شده، یکی از دستاوردهای کم‌نظیر دیپلماسی در دهه‌های اخیر است. این توافق یک بحران جدی جهانی - گرچه از نگاه ایران تماماً ساختگی و تصنعی - را از طریق راه‌حلی صلح‌آمیز و بر مبنای مذاکره خاتمه داد. برای اولین بار در تاریخ چند دهه‌ی ملل متحد، مسئله‌ای که موضوع چندین قطعنامه فصل هفتمی شورای امنیت بود، بدون جنگ، تغییر رژیم، فروپاشی - و یا همه این موارد که متأسفانه بارها من جمله در یوگسلاوی سابق، لیبی، سودان و موارد مشابه تجربه شده است - پایان یافت.

برجام ظرفیت‌های فراوانی داشت. در جهان سیستان و دیپلماسی نشان داد که دیپلمات‌ها واقعاً می‌توانند به یک توافق معقول علیرغم همه مشکلات و محذورات دست یابند. گرچه برجام امیدی را در جهان خسته از جنگ‌های بی‌پایان زنده ساخت، ولی این دستاورد بی‌نظیر دیپلماتیک برای اقلیت بسیار کوچک اما پرنفوذی در بسیاری از مناطق دنیا که منافع نامشروعی در جنگ، تخاصم و سلطه دارند، خوشایند نبود.

برجام می‌توانست شروع فصل جدیدی در روابط بین‌المللی باشد. اولین توثیت من پس از نهایی شدن توافق در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ این بود: «#توافق ایران سقف نیست، بلکه پایه استواری است. می‌باید از هم اکنون بر روی آن بنا کنیم.»^۱ هیچ‌یک از مذاکره‌کنندگان

^۱ این توثیت بر اساس بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ۲۰ فروردین ۱۳۹۴ با مداحان اهل بیت علیهم السلام بود: «این مذاکراتی که دارد انجام می‌گیرد که بخشی از آن هم مذاکره با طرف‌های آمریکایی است فقط در موضوع هسته‌ای است؛ فقط ما در هیچ موضوع دیگری فعلاً با آمریکا مذاکره نداریم؛ هیچ این را همه بدانند؛ نه در مسائل منطقه، نه در مسائل گوناگون داخلی، نه در مسائل بین‌المللی؛ امروز فقط موضوع مورد بحث و مورد مذاکره، مسائل هسته‌ای است. حالا، این تجربه‌ای خواهد شد؛ اگر طرف مقابل از کجتابی‌های معمولی خودش دست برداشت، این یک تجربه‌ای برای

تردید نداشتند که توافق در یک فضای مشحون از بی‌اعتمادی شدید انجام شد. دهه‌ها خصومت و بیگانگی، همراه با پیش‌فرض‌های نادرست و تصورات غلط، هریک از مذاکره‌کنندگان را وادار کرده بود که قبل از پذیرش هر پیشنهاد و ورود به هر مصالحه‌ای چندین بار فکر و مشورت کند. لذا هریک از کلمات در توافق نهایی با موشکافی فراوان و تنها پس از رد گزینه‌های بی‌شمار - از سوی یک طرف یا طرف دیگر - انتخاب شد. چندین لایه راستی‌آزمایی پیش‌بینی شد و حتی پس از تمهید تمام این ریزه‌کاری‌ها، یک سازوکار حل و فصل اختلافات برای جلوگیری از کژتابی هریک از طرف‌ها در اجرای توافق ابداع گردید.

اجرای درست برجام می‌توانست به ایجاد اعتماد بینجامد و سیاسیون دلوایس در همه طرف‌ها - و به ویژه در تهران و واشنگتن - را متقاعد کند که جلوگیری از بحران، کاهش تنش و برخورد با چالش‌ها به روشی نسبتاً قابل قبول، نیازمند رفاقت و صمیمیت نیست. اسنادی که در این کتاب جمع‌آوری شده‌اند نشان می‌دهد که لااقل از دید طرف ایرانی مشکل در چه بود. در نتیجه، تجربه‌آموز سازنده نه تنها به افزایش اعتماد نینجامید، بلکه بی‌اعتمادی عمیق موجود را مستحکم‌تر ساخت.

در طول ۶ سال گذشته و به دنبال نهایی شدن برجام در بین و سپس تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ به اتفاق آرا توسط شورای امنیت در نیویورک در ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴، مذاکره‌کنندگان ایرانی در داخل و خارج با چالش‌های سنگینی روبرو بوده‌اند. برای من - به عنوان یک دانشجو و کارگزار در حوزه حقوق و سیاست بین‌الملل در بیش از چهار دهه گذشته - حفظ باور به دیپلماسی، چندجانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در روابط بین‌الملل نبردی طاقت‌فرسا بوده است. کوشیده‌ام این ابتلای شخصی، حرفه‌ای، ملی و جهانی را در قالب نامه‌هایی که به دو نماینده عالی روابط خارجی و سیاست دفاعی اتحادیه اروپا، فدریکا موگرینی و جوزپ بورل فونتلس، که همزمان هماهنگ کننده کمیسیون مشترک برجام - تنها یکی از ابداعات متعدد توافق برای اطمینان از پابندی متقابل - نیز بودند، مستند سازم.

همچنین در برهه‌های حساس برای دبیرکل ملل متحد و رئیس دوره‌ای شورای امنیت نیز نامه‌هایی ارسال کرده‌ام که آنها را نیز در مجموعه گنجانده‌ام.

به مناسبت ششمین سالگرد تصویب قطعنامه (۲۱۰۵) ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد، یک جمع‌بندی در قالب نامه‌ای به دبیرکل ملل متحد نگاشتم و نامه‌های پیش‌گفته را بر اساس دسته‌بندی موضوعی به آن نامه پیوست کردم. این کتاب از آن نامه و پیوست‌هایش تشکیل شده است و اکنون که این پیش‌گفتار را می‌نویسم، به عنوان سند مجمع عمومی ملل متحد تحت شناسه A/75/968 و سند شورای امنیت ملل متحد تحت شناسه S/2021/669 در دست انتشار است.

نامه‌ها کاملاً گویا و تاریخچه‌ای از مسائل اجرای برجام که بسیار پیش از ورود ترامپ به کاخ سفید در بهمن ماه ۱۳۹۵ آغاز شده بود، می‌باشد. در هرنامه برای ادعاهایی که در آن شده است مستندات قوی آمده، اما ادعا نمی‌کنم که این تمام ماجرا است. اطمینان دارم که منتقدین داخلی و خارجی بسیاری از مطالب این کتاب را - که همزمان به فارسی و انگلیسی جهت شفافیت و سهولت در آغوش منتشر می‌شود - قابل نقد و مخالفت خواهند یافت. اما می‌توانم یک ادعا را بدون هرگونه تحفظ مطرح کنم: هیچ‌گاه هیچ‌یک از نامه‌های من به هماهنگ‌کننده برجام - که همگی به همه اعضای برجام نیز تحویل شد - از سوی هیچ‌یک از اعضای برجام رد نشد. این ممکن است نتیجه عوامل متعددی باشد. نخست آنکه آنها هیچ حرف منطقی و حقوقی در پاسخ در آن زمان نداشتند - چرا که نامه‌ها صرفاً بازگو کننده واقعیات بدیهی در زمان نگارش بودند. اما بی‌پاسخ ماندن نامه‌های من ممکن است دلیل نگران‌کننده‌تری نیز داشته باشد و آن این که آمریکا و سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) هیچگاه ضرورتی برای ورود به گفتگوی حقوقی و مبتنی بر واقعیات نمی‌دیدند و باور داشتند که تنها با تکیه بر توان سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی می‌توانند در شرایط حساس اوضاع را به نفع خود بچرخانند. نتیجه‌گیری نگران‌کننده دیگری که در طول تجربه طولانی‌ام در دیپلماسی بدست آورده‌ام این است که قدرت‌های غربی ورود به تعامل برابر با کشورهای با درآمد متوسط و نه حتی کشورهای در حال توسعه را کسرشان خود می‌دانند - مگر آن که آن را همچون دوران مذاکرات برجام از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۴ غیرقابل اجتناب ببابند. آنها عادت کرده‌اند که با «ما»ی غیرغربی

همواره به عنوان موضوع، مشتری و تأمین‌کننده منابع و نه هیچ‌گاه به عنوان شریک رفتار کنند. بدیهی است که این نگرش دیگر نتیجه نخواهد داد. در مورد ایران، با تمدن چندین هزار ساله‌اش، نتیجه معکوس داد و حتی در برخورد با تازه‌واردان به روابط بین‌المللی نیز دوامی نخواهد داشت.

اکنون که آماده ترک مسئولیت و اختصاص تمام وقت خود به تدریس و پژوهش می‌شوم، کماکان امیدوارم که منطق و عقلانیت در نهایت در جهان مسئولی خواهد شد. جهان به شدت تغییر کرده است؛ نه فقط در دوره زندگی من و یا مسئولیت به عنوان وزیر امور خارجه؛ بلکه حتی در همین یک سال گذشته. ویروس کورونا ناتوانی محض بزرگ‌ترین قدرت‌ها را عریان ساخته است. کورونا همچنین گریزناپذیری سرنوشت مشترک ما و نیز قدرت بلامنازع هم‌بستگی، هم‌افزایی و همکاری جهانی را نمایان کرده است. در دنیای جهانی‌شده یک ویروس ناایمن می‌تواند ظرف تنها چند روز تمام کره خاکی را درگیر کرده و تا امروز ۱۸ ماه همه‌ای را گرفتار کند - که متأسفانه ماه‌های فراوان دیگری نیز در پیش خواهد بود. در چنین جهانی باید بالاخره به این درک مشترک برسیم که ما همگی در یک کشتی نشسته‌ایم؛ یا همراه هم به ساحل می‌رسیم و یا همه با هم غرق خواهیم شد. دیگر هیچ ملتی نمی‌تواند به هزینه دیگران پیشرفت کند. امیدوار بودم که بعد از فاجعه ۱۱ سپتامبر این واقعیت در اذهان و ادراکات همه جایفتد که حتی کشوری با بیشترین توان نظامی نمی‌تواند در جهان ناامنی و بی‌ثباتی، آرام و امن و باثبات بماند. ولی متأسفانه عادات کهنه بسیار سخت تغییر می‌کنند. تغییر ادراکی بسیار دشوارتر از آن بود که گمان می‌کردیم.

امیدوارم که توافق هسته‌ای ایران و تاریخچه (عدم) اجرای آن - که بخش‌هایی از آن با سندهای دست اول در این کتاب بیان شده است - بتواند درس مهمی را به ما بیاموزد: مواضع حداکثری به ناکامی می‌انجامد؛ ناکامی برای همه طرف‌ها. هیچ توافق و یا ترتیبات بی‌عیب و نقصی وجود ندارد. هیچ طرفی در یک مذاکره به همه چیزهایی که می‌خواسته نخواهد رسید. و هیچ طرفی حتی نباید به دنبال چنین هدفی باشد؛ چون در جهان کنونی ما چنین ترتیباتی پیش از آن‌که ناممکن باشد ناپایدار است. گرایش حداکثری تنها به مذاکرات فرسایشی و بی‌پایانی می‌انجامد؛ که تقریباً در تمامی شرایط ضرر و یا لاقابل‌عدم‌النفع آن

برای کشور و مردم از منافع فرضی رسیدن - ناممکن - به توافق ایده آل کمتر نیست. تلاش هر یک از کنشگران برای پیروزی به هزینه شکست طرف مقابل - بازی با حاصل جمع صفر - در جهان کنونی ناشدنی است و به ناکامی هر دو طرف - بازی با حاصل جمع منفی - می انجامد. برای موفقیت - حتی با یک نگرش کاملاً خودمحو رانه - هر طرف ناگزیر از شناسایی، احترام و توجه به نگرانی ها، دلوایسی ها و منافع طرف های دیگر است. باور دارم که مطالعه هوشیارانه و عینی موفقیت در رسیدن به برجام - در مقایسه با اجرای پر مشکل آن - می تواند نتایج آموزنده و روشنگرانه ای برای زمامداری در قرن بیست و یکم باشد. امید است بتوانیم از موفقیت ها و همچنین از ناکامی های مان بیاموزیم.

محمدجواد ظریف

۲۹ تیرماه ۱۴۰۰

www.ketab.ir